

◇ نشریه علمی زن و فرهنگ

سال دهم، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۹۸

صفحات: ۱۲۰-۱۰۹

تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۱۱/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۸

نقش تربیتی زن در جامعه اسلامی

نعیمه کبیری قمی*

سمیرا معصومی زوریانی**

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش تربیتی زن در جامعه اسلامی و بیان نظر اسلام نسبت به مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بود. طرح پژوهش مروری و از نوع توصیفی-تحلیلی می باشد. تحلیل مطالب براساس منابع قرآن، احادیث، کتب، مقالات در حوزه‌ی تربیت اسلامی، آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) انجام گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که در آموزه‌های دینی ضمن تأکید بر مقام والای مادر و جایگاه زن، ضرورت احترام و تلاش برای برآوردن حقوق مادران، به سلامت جسمی و روانی آنان توجه بسیاری شده است و بر اساس اظهارات صاحب نظران در حوزه‌ی علوم اجتماعی، نقش محوری مادر در سازندگی کشور موثر بوده، هم چنین دین مبین اسلام مانع مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نشده، از این رو از نگاه قرآن زن نقشی مؤثر در اجتماع دارد و باید هم گام با مردان در مسایل مهم اجتماعی نقش-آفرینی نماید. هم چنین مشخص شد که اسلام جامع‌ترین و کامل‌ترین نگرش را نسبت به شخصیت زن دارد.

کلید واژگان: نقش تربیتی، جامعه اسلامی، زن.

* کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی، گروه روان شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (ایمیل: naeimhkabiri1@gmail.com)

** کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (نویسنده مسئول، ایمیل: massummy.s@gmail.com)

مقدمه

زنان بخشی از جامعه انسانی هستند که از نظر درک مبانی و اصول دینی، ایمان و کمال تفاوتی با مردان ندارند و گاهی به چنان مقامی دست می‌یابند که مردان باید از آنان شجاعت، دیانت و خضوع در برابر پروردگار را بیاموزند. زن موجودی است مزین به اسرار و شگفتی‌های فراوان و در سایه‌ی این شگفتی‌های زندگی، عالم بشریت در تکاپو و تداوم است. زنان دارای لطافت و ظرافت و احساس فوق‌العاده زیبایی هستند که این خصوصیت و اوصاف آنان سبب برجستگی و سرآمدی ایشان نسبت به دیگر موجودات شده است. زنان با تربیت صحیح فرزندان موجب پیشرفت تمدن‌ها و ترقی فرهنگ‌ها می‌شوند. زنان در طول تاریخ گاهی مورد احترام و ارزش و گاهی مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند. اسلام بت جاهلانه زمانه را شکست و ضمن احترام به خصوصیات و عواطف و احساسات زنان راه رشد و تعالی آنان را در تمامی عرصه‌ها گشود. قرآن مجید زن و مرد را از لحاظ ارزش انسانی با همدیگر برابر می‌شناسد. یکی از جایگاه‌های والای زن در اجتماع بشری نقش تربیتی او در خانواده است که در شکل‌گیری اجتماع تأثیری به سزا دارد. تاریخچه حضور فعال زن در اجتماع به آغاز حکومت اسلامی پیامبر (ص) باز می‌گردد، با ظهور اسلام زن ارزش‌های انسانی خود را بازیافت؛ دیدگاه‌های جاهلی نسبت به وی مدفون گشت و در فعالیت‌های تربیتی، سیاسی و اجتماعی حضوری جدی یافت. از این تاریخ به بعد پرداختن به نقش و جایگاه زنان در خانواده و اجتماع در چهارچوب مکتب اسلام و ارایه‌ی الگوی اسلامی جهت زنده کردن هویت واقعی زنان به عنوان فریضه و تکلیف الهی مورد تأکید بزرگان دین قرار گرفت. طی تحقیق ربیع نتاج و روح اله زاده اندواری (۱۳۸۹) نیز ذکر شده است در آیات و روایات تاریخ اسلامی، حضور موثر زنان و مسئولیت‌های آنان در صحنه‌های اجتماعی مشاهده شده است.

پس از بررسی دیدگاه کلی اسلام نسبت به انسان باید این نکته اساسی را متذکر شده و بر آن تأکید شود انسانی که از مقام شامخ و الهی آن صحبت شد از دو جنس زن و مرد تشکیل گردیده است و این واقعیت گاهی مورد بی‌توجهی و چشم‌پوشی قرار گرفته است و دیدگاه‌های متفاوتی را نسبت به زن به عنوان نصف جمعیت انسانی به وجود آورده است. بدون شک میان این افکار و اندیشه‌ها، اندیشه‌ی اسلامی با داشتن دیدگاه میانه حقوق و دستاوردهای مهمی به زن اعطا کرده است و برای بهتر متوجه شدن این امر کافی است نگاهی گذرا به اوضاع زن پیش از اسلام در ادوار و تمدن‌های گذشته انداخته شود. دیدگاه اسلام نسبت به زن با همه ادیان و افکار و ملت‌های پیش از آن تفاوت دارد؛ اسلام از این دیدگاه حقوق و وظایفی برای زن قائل است. حد وسط بین افراط و تفریط و در این مورد ثابت و غیرمتغیر است و زیربنای تفکر اسلامی در برابر زن به حساب می‌آید. بنابراین اسلام دیدگاه مردم به زن را در جهت درستی قرار داده و پیوند میان زن و مرد را بر اساس مساوات و برابری انسانی قرار داده است. حتی از امام حسین (ع) نیز نقل شده است که «از خلق و خوی پیامبران، محبت به زنان است» (حرعاملی، ۱۳۹۱، ج ۱۴: ۹).

دین مبین اسلام، زن و مرد را دو شاخه تنه واحد به حساب آورد و این تفکر ناصحیح را که زن ذاتاً از مرد ضعیف‌تر است، درهم ریخت و باطل ساخت و مشارکت هر دو در اخوت بشری و وحدت معنی انسانی را بیان داشت. خداوند در قرآن می‌فرماید: «ای مردمان ما شما را از مرد و زنی آفریده‌ایم و شما را تیره و قبیله نموده‌ایم تا همدیگر را بشناسید، بی‌گمان گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست» (حجرات، ۱۳). خداوند در این آیه اخوت و پیوند نسبی میان زن و مرد را مقرر داشته و هر دو را به لفظ ناس که شامل همه

افراد انسان است مورد خطاب قرار داده است، همه را از یک پدر و مادر آفریده و هر دو نسبت به هم شیفته و همتای همدیگر به حساب می آیند. پیامبر (ص) می فرماید: «به راستی زنان همتای مردان هستند». اخوت و اشتراک نسبی مقتضی مساوات است چون یکی از این دو شقیق در نسب پدر و مادر بهره‌ی بیشتری ندارد، زن بدون کم و زیاد در نسب با مرد مساوی است. برای تأکید بر این مساوات نگاه خود انسانی میان آن دو هریک را از نظر کرامت نزد خدا منوط به تفاوت در تقوا و انجام اعمال صالحه قرار داده است نه دایره انسانیت چون انسانیت هر دو یکسان است. وقتی که خداوند زن و مرد را از یک اصل واحد آفرید، زن را به عبث و بدون فایده نیافریده است، بلکه خداوند نقش مهم انسانی زن را بیان فرموده است: «او آن کسی است که شما را از یک جنس آفریده و همسران شما را از جنس شما ساخت تا شوهران در کنار همسران بیاسایند». بلکه آرامش و اطمینان روحی آن دو رابه کمک همدیگر یکی از اهداف آفرینش قرار داد تا به کمک همدیگر این کره زمین را آباد سازند. زن را آفرید تا شریک زندگی مرد باشد و آرامش و فراغت خاطر خویش را با وی به دست آورد و مودت و محبت آن دو را با هم نعمتی است بزرگ که خداوند بدان بر مرد منت نهاد و یکی از نشانه‌های خدا این است همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان بیارامید و بین شما و ایشان مهر و محبت برقرار نمود، مسلماً در این گونه خلقت نشانه‌ها و دلایلی بر عظمت و قدرت خدا است برای افرادی که می اندیشند. بر اساس همین اشتراک در عنصر انسانی مرد را ولد و زن را ولده نامیده‌اند و هر دو را یکسان شایسته احسان و اکرام به عمل آورده که این خود گرمای اصل انسان و تکوین وی است «خدا را عبادت کنید و هیچ چیزی را شریک او نکنید و به پدر و مادر نیکی کنید» (نساء، ۳۶). «زن در قصاص با مرد شریک است و در آن [تورات] بر آنان مقرر داشتیم انسان در برابر انسان قرارداد» (مائده، ۴۵) و «ای ایمان آورندگان درباره‌ی کشتگان قانون قصاص بر شما فرض شده است» (بقره، ۱۸۷). پس باید دانست که زنان هم چون مردان بار سنگین دعوت اسلامی و تکالیف شرعی را بر دوش دارند و این خود بزرگ ترین دلیل است بر انسانیت زن و مساوات وی با مرد. پیامبر در اجرای فرمان خدا از زنان نیز هم چون مردان بیعت می گرفت. خداوند خطاب به پیامبر می فرماید: «ای پیامبر هنگامی زنان مؤمن پیش تو بیایند و به خواهند با تو بیعت کنند و پیمان ببندند بر این که چیزی را شریک خدا نسازند و دزدی نکنند و مرتکب زنا نشوند و فرزندان شان را نکشند و به دروغ فرزندی را به خود و شوهر خود نسبت ندهند که زاده ایشان نیست و در کار نیک از تو نافرمانی نکنند، با ایشان بیعت کن و پیمان ببند و برای شان از خدا آمرزش بخواه، مسلماً خدا آمرزگار و مهربان است» (ممتحنه، ۱۲).

نقش حساس زنان مسلمان در پیکار علیه شرک و کفر پوشیده نیست، زنان زخمی‌ها را درمان و به پشت صحنه جنگ منتقل می نمودند، حتی اسلام از نظر سیاست جنگی به زنان حق داده است در صورتی که مصلحت بدانند به دشمنان جنگی امان و پناه بدهند و در این مورد کسی حق تعدی به چنین شخص یا اشخاصی ندارد. بعد از قبول اسلام رسول خدا (ص) به فرمان الهی ارزش‌ها را جایگزین ضد ارزش‌ها کرد و زن توانست در سایه اسلام حقیقت خویش را در یابد و نه تنها از این که زن آفریده شده است احساس ذلت نکند، بلکه بر آن فخر ورزد. زن مسلمان باید افتخار کند که می تواند با تربیت فرزند نیک خانواده‌ای نیک تحویل جامعه دهد و سرانجام جامعه را سامان بخشد. در صدر اسلام زن جایگاه خود را دریافت و از عذاب و گوشه‌نشینی نجات یافت در این عصر زنان جلسات علمی اختصاصی با رسول خدا ترتیب می دادند و از آن حضرت کسب فیض می کردند و وقتی به وظیفه دینی و اسلامی خود واقف می شدند دوشادوش مردان

در عرصه‌های مختلف به ایفای نقش می‌پرداختند تا جایی که در جنگ‌های طاقت فرسا نیز به مجاهدین می‌پیوستند و به خدمات و مداوای مجروحین و در صورت لزوم حتی به نبرد تن به تن می‌پرداختند. از افتخارات زنان صدر اسلام همین بس که اولین شهیدی که در راه اسلام جان خویش را نثار کرد زن بود (سمیه) و اولین کسی که به ندای محمدی لبیک گفت نیز زن بود (خدیجه)؛ آن‌ها در تمامی زمینه‌هایی که برایشان مقدور بوده فعالیت می‌کردند و این طور نبود که در خانه بنشینند و به بهانه این که زن هستند از زیر بار مشکلات شانه خالی کنند؛ شرکت آنها در جهاد و نبرد دوشادوش مردان و پرداختن به دعوت و ارشاد دین مبین اسلام بیانگر اخلاص، تقوا، جان‌نثاری و ایمان راسخ این بزرگ زنان مسلمان است و نشان می‌دهد که تا سرحد جان به دفاع از آیین خویش پرداخته‌اند و در تحقیق افراسیاب پور و ولی پور چهارده چریک (۱۳۹۱) نیز که به نقش زن در زندگی پیامبران الهی پرداخته است نقش حضرت خدیجه (س) و حضرت زهرا (س) به عنوان نمونه‌های زنان سرنوشت ساز در ادیان الهی توصیف شده است. بر این اساس هدف از تحقیق حاضر بررسی نقش تربیتی زن در جامعه اسلامی می‌باشد.

روش

طرح پژوهش، جامعه‌ی آماری و روش نمونه‌گیری: شیوه پژوهش مقاله حاضر، توصیفی-تحلیلی است. چرا که مطالعه زنان در اسلام جنبه توصیفی داشته و اطلاعات به دست آمده، طبقه بندی شده و به تحلیل یک "روند موثر" بر یک "رفتار انسانی" در جامعه مربوطه پرداخته شده است. جامعه تحقیق کلیه زنان در دوران اسلام و جامعه اسلامی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای (اسنادی) با بهره‌گیری از منابع مکتوب بود. تحلیل مطالب در پژوهش حاضر بر اساس منابع قرآن، احادیث، کتب، مقالات در حوزه‌ی تربیت اسلامی، نص صریح آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) انجام شد.

روش اجرا

برای دست‌یابی به هدف پژوهش، به بررسی کتاب‌ها، منابع و متونی که در پیوند با موضوع برخورد اسلام با زنان بود، پرداخته شد. مبنای کار در پژوهش حاضر گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است که از طریق فیش‌برداری، صورت گرفت؛ پس از آن با تکیه بر دیدگاه اسلام در مورد زنان و نوع رفتارشان در جامعه اسلامی واکاوی و توصیف انجام شد.

نقش تربیتی زن در خانواده

زن اساس و ریشه‌ی همه نیکی‌هاست، نقش کلیدی مادران در فرهنگ‌سازی موجب شده تا در نظام تربیتی و حقوقی اسلام تأکید و اهتمامی ویژه به حقوق مادران شود، در آموزه‌های دینی ضمن تأکید بر مقام والای مادری و جایگاه زن به ضرورت احترام نسبت به برآوردن حقوق مادران و توجه بسیار به سلامت جسمانی، روحی و روانی وی شده است؛ چرا که سلامت جامعه به سلامت خانواده و نشاط، اقتدار و پویایی خانواده به مادر وابسته است. نقش محوری مادر در سازندگی کشور بر هیچ کس پوشیده نیست (مطهری، ۱۳۷۴). از این رو باید بیان کرد در مکتب اسلام هدف‌ها و انگیزه‌های متعددی برای تشکیل خانواده ذکر شده است، از جمله این که اسلام به عنوان دین مهر و پاکدامنی، تعالی بشر را در کنار هم بودن و سالم زیستن

خلاصه کرده است. در این مکتب الهی، ایجاد کانون آسایش و آرامش برای زن و مرد، حفظ عفت و پاکدامنی، ارضای نیاز جنسی، تجربه دوستی و عشق ورزیدن، برقراری تعادل در وجود آدمی، تأمین سلامت جسم و روان، رهایی از تنهایی، کمک به رشد و تکامل یکدیگر و داشتن فرزندان سالم و شایسته از اهداف تشکیل خانواده است. در خانواده مسلمان، وظیفه زن، دستیابی به رکن اساسی خانواده، تربیت فرزندان و هدایت و تقویت روحی شوهر است. در چنین خانواده‌ای ارزش زن به توانمندی او در تبدیل محیط زندگی برای خود و شوهر و فرزندان به یک بهشت، یک مدرسه، یک محیط امن، یک جایگاه عروج به معارف معنوی و مقامات معنوی است. برای رسیدن به این مهم زن هرگز هیچ کاری را با تربیت فرزندان خود معادل و برابر نمی‌داند، خدای متعال این وظیفه را طوری در وجود زن به ودیعه نهاده است که اگر کسانی هم به خواهند آن را از او بگیرند یا از مسیرش دور کنند، فقط خودشان را خسته کرده‌اند! چرا که برای زنان بعد از نقش همسری که پایه‌ریز زیباترین نقش بشری است، مهم‌ترین وظیفه، ایفای درست نقش مادر بودن است. اگر زن به خانواده‌اش پای بند باشد و به اعضای آن علاقه نشان دهد، به تربیت فرزندان اهمیت دهد و به بچه‌هایش رسیدگی کند و آنها را در آغوش خود با شیره جاننش تغذیه کند، برای آنها آذوقه‌های فرهنگی، قصص، احکام، حکایت‌های قرآنی و ماجراهای آموزنده فراهم کند، نسلی بالنده و رشید به جامعه تحویل خواهد داد. البته این آرمان زمانی محقق می‌شود که در جامعه اسلامی، زنان با الگوی اسلامی تربیت شوند، الگویی زهرایی و زینبی، الگویی برگرفته از زنان بزرگی که دنیا و تاریخ را تحت تاثیر خود قرار داده‌اند. در کل مشخص شده است که زن نقش اصلی را در شکل‌گیری شخصیت و خودپنداره، دلبستگی و اعتماد به نفس فرزندان ایفا می‌کنند (علامه، ۱۳۹۳).

با استناد به تعالیم اسلامی نقش پررنگ زن در خانواده را نه تنها در منافات با فعالیت‌های اجتماعی وی نمی‌داند، بلکه معتقد است زن مسلمان وقتی در کنار توجه به تربیت فرزندان و تأمین نیازهای همسر به مراتب علمی و اجتماعی دست پیدا می‌کند، می‌تواند با تکیه بر تجربیات و دانش خود، در تربیت فرزندان موفق‌تر وارد شود، به شرط این که مرد نیز در امور خانه مشارکت داشته باشد و همه چیز را فدای کار نکند. زن در چنین جامعه اسلامی می‌تواند به علم و معرفت و کمالات معنوی و اخلاقی که خدای متعال و آیین الهی برای همه انسان‌ها به طور یکسان در نظر گرفته است برسد، در این صورت تربیت فرزندان بهتر، محیط خانواده گرم‌تر و باصفا تر و جامعه پیشرفته‌تر خواهد بود. از دیدگاه اسلام زن اول معلم بشریت است؛ خداوند متعال زن را اولین معلم بشریت نمود تا حق سخن‌آموزی و آرامش‌بخشی بر گردن بشریت داشته باشد. برای اول معلم بشریت بودن، بیان و قوه‌ی ناطقه از امتیازات انسانیت است. مقام تعلیم بیان در شان ملکوتی برای پیامبران و ائمه (ع) است و در شأن زمینی و پایین، «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» مادر است. خداوند چشمه سخن را در وجود زن به ودیعه نهاد تا مطابق با وحی تکوینی و توانایی خدادادی، با نوزاد بشریت آن‌قدر سخن بگوید تا بشریت را با کلام و نطق و سخن آشنا ساخته و از لالی و گنگی نجات دهد و نهال بیان را در حیات انسانی رشد داده و به شکوفه بنشانند و عواطف انسانی را در وجودشان شکوفا کند. چشمه عاطفه را که لسان قلب و رمز حیات و روابط انسانی و اساس تأسیس خانواده در جامعه بشری است را در حقیقت زن به ودیعه نهاد. زنان را لطیف‌تر و عاطفی‌تر نمود تا بتوانند عواطف عالی انسانی را که خاص حیات انسانی انسان است، پرورش داده و رشد دهند. بدین‌سان زن را پرورش دهنده‌ی عالی‌ترین ویژگی‌های حیات انسانی انسان قرار داد. زن را عاطفی کرد تا بشریت را آرامش بخشد؛ «لتسكنوا اليها» برای این است

که بشریت به وسیله زن به اعتدال، سلامت روانی، آرامش و به پناهگاه برسد. خدای تبارک و تعالی، قلب و جان مادران را با نور رحمت ربوبیت خود آمیخته و این رحمت لایزال است که مادران را تحمیلی چون عرش در مقابل رنج‌ها و زحمت‌ها از زمان استقرار نطفه در رحم و طول دوره باردای و وقت زاییدن و از نوزادی تا به آخر مرحمت فرمود. در کل تحقیقات نیز نشان دادند مادران به لحاظ عشق و علاقه، اظهار محبت و نوازش، وظایف حساس و تعیین کننده ای در تربیت فرزندان بر عهده دارند (مرعشیان، ۱۳۹۰).

خداوند حقیقت زن را به انوار جمال خویش روشنی بخشید تا از درون و باطن خویش، مجذوب زیبایی‌ها گردد و او را از زیبایی‌های عالم خاک، به سوی زیبایی‌های برتر عالم ملکوت متوجه نماید تا نهایتاً به اصل خویش یعنی جمیل مطلق مراجعت نموده و متصل گردد. زن اول معلم بشریت در زیبا شناسی است؛ اولیای الهی باید با مجاهدت بسیار به این مقام و مرتبه برسند، حال آنکه زن از ابتدا این فضیلت را دارا می‌باشد. اسلام برای زن حق تکریم در ایجاد آرامش، ایجاد آبرو و آبرومندی، شفقت و انس و همکاری و تعاون و وفاداری در خانواده و رازداری اسرار خانواده را قائل است. حق تکریم در خانواده، اختصاصی است و فقط به دلیل مادر بودن است. مادر معنی مربی می‌دهد؛ دختر باید مربی شود، به گونه‌ای که راه و روش او موجب بهشتی شدن مردم گردد. و از این رو است که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «بهشت زیر قدم‌های مادران است» (محمدی ری شهری، ترجمه شیخی، ۱۳۸۹).

اعمال و رفتار زن در جامعه و خانواده حکم شفا بخشی دارد، زن امنیت آور در محیط خانه و اجتماع است. زن معمار خانه است. حضرت حق فرموده است که مدل، نمونه، حقیقت و نمونه مجسم خانه، خانه‌ی من است، «بیت الله الحرام». خانه باید جایی باشد که در آن حکمت تدریس شود، حکمت یعنی راه‌های نجات، راه‌های هدایت دختران و پسران، راه‌های آرامش بخش خانواده‌ها و راه‌های شفا بخشی دل‌ها. زنان مسیر رحمت هستند، رزق ملکوتی در خانه می‌کشاند و برکت وارد جامعه می‌کنند. اسلام وظیفه زنان را «انسان‌سازی» می‌داند و معتقد است که زن، مربی انسان است. اسلام بر نقش تربیتی زن به عنوان اول معلم بشریت تأکید دارد و سعی او بر این است تا با عرضه مفهوم حقیقی زن و شناساندن آن، زنان را برای وظایف خود آماده کند تا حیات انسانی از مسیر کمال و هدف خلقت منحرف نشود. امام خمینی (ره) نیز در این رابطه می‌فرماید: «ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زینب گونه - علیها سلام الله - فریاد می‌زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته و مفتخرند به این امر و می‌دانند آن چه به دست آورده اند بالاتر از جنات نعیم است چه رسد به متاع ناچیز دنیا» (خمینی (ره)، ج ۲۱، ص ۳۹۸).

زن و نقش همسری

اسلام به نقش زن به عنوان همسر چنان اهمیت می‌دهد که رسول گرامی اسلام، ثواب شوهرداری نیک و به جا و صحیح زن را با اجر و پاداش حضور در جبهه‌ی جنگ و نائل شدن به مقام مجاهد در راه خدا و جهاد در رکاب پیامبر برابر می‌داند؛ زیرا این امر سازندگی شوهر و افراد خانواده را به دنبال دارد و ساختن آنان، ساختن افراد دیگر و طبعاً ایجاد خانواده‌ی سالم و پویا را به دنبال دارد زن به عنوان همسر در کنار خانواده، در اوج کمال و بلوغ احساسی، روحی و عاطفی مصداق واقعی آیه‌ی کریمه‌ی قرآن است: «زنان لباس شما هستند و شما لباس آنها» (بقره، ۱۸۷). لباس از یک سو انسان را از سرما و گرما و خطر برخورد اشیاء به بدن

حفظ می کند و از سوی دیگر عیوب او را می پوشاند و از سوی سوم، زینتی است برای تن آدمی. این تشبیه که در آیهی فوق آمده، اشاره به همهی این نکات است. زنی که لباس شوهر خویش می گردد، به محفوظ نگه داشتن همسر و فرزندان خود در محیطی گرم و مصفاایی دست می زند که از آرامش و سلامت روانی و جسمی اعضای خانواده سرشار است. حراست از جان و مال و حیثیت خود و فرزندان و شوی خویش، در واقع نوعی حفظ و صیانت و ایفای نقش پوشش و لباس شدن برای مرد و خانوادهی اوست. همان گونه که لباس به بدن نزدیک است زن به عنوان همسر، از همسر و خانواده اش فاصله ندارد و خلأهای فکری و عاطفی آن ها را پر می کند.

از نقش های مهم همسر نسبت به شوهر، هم دردی و از خود گذشتگی است. همسر شایستهی آن است که در فراز و نشیب زندگی یار و مونس همسرش باشد و در مشکلات، او را یاری دهد و اسباب آلام و رنج های شوهرش را برطرف سازد. نمونهی بارز همسر شایسته در این زمینه، ساره همسر حضرت ابراهیم (ع) است. حضرت ابراهیم سال ها به خاطر نداشتن فرزند رنج می برد و چشمانش به جمال فرزند روشن نشده بود. ساره متوجه رنج آن حضرت شد از این رو هاجر را که پادشاهی به عنوان کنیز به او بخشیده بود، به همسرش حضرت ابراهیم (ع) بخشید تا با او وصلت کند تا شاید خدا به آنها فرزندی ببخشد و غم بی فرزندی قلب ابراهیم را نیازارد؛ طولی نکشید که خداوند به هاجر پسری داد که نامش را اسماعیل نهاد. زن با ایجاد خانواده ای سالم و مهیا ساختن فضای آکنده از ایمان و پروراندن فرزندان و فراهم کردن کانونی منزله و پاک، زمینهی آرامش خاطر شوهر خویش را آماده می سازد. قرآن کریم راجع به نقش آفرینی زن در این زمینه می فرماید: «و از نشانه های او این که از نوع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان ها آرام گیرید، و میان تان دوستی و رحمت نهاد» (روم، ۲۱).

از امام رضا (ع) راجع به محبت زن و نقش آفرینی زن نسبت به آرامش شوهرش چنین روایت گردیده است: «و به دان که زنان چند گروه اند، یک گروه از آنان گنج و غنیمت محسوب می شوند. این گروه، زنانی هستند که شوهران خود را دوست داشته، به آنها عشق می ورزند» (محدث نوری، ۱۳۶۶).

زن به عنوان همسر از دو طریق به ایفای نقش می پردازد. یکی بی واسطه در داخل خانواده و در ارتباط مستقیم با شوهر و دوم با واسطه و غیرمستقیم با پرورش فرزندان شایسته. از رسول گرامی اسلام (ص) روایت شده است: «بهترین زنان شما... با محبت ترین زنان نسبت به شوهران شان و مهربان ترین مادران نسبت به فرزندان شان هستند» (حرّ عاملی، ۱۳۷۲).

قرآن مجید زن و مرد را از لحاظ ارزش انسانی با همدیگر برابر می شناسد و در بخش تاریخی قرآن الگوهای متعالی و رشد یافتهی انسان های آزاده تنها مردان نیستند. پس از ظهور اسلام و تشکیل حکومت اسلامی، به نقش و جایگاه زنان در خانواده و اجتماع در چارچوب مکتب اسلام و ارائه الگوی اسلامی جهت زنده کردن هویت واقعی زنان برای مسلمانان فریضه و تکلیفی الهی قرار گرفت (فهیم کرمانی، ۱۳۴۷).

زن و نقش مادری

زن به عنوان آفریدهی خداوند از نظر اسلام از ارزش و اهمیتی والا برخوردار است. از جایگاه های زن در اجتماع بشری نقش تربیت او در خانواده است که خود تأثیری به سزا در شکل گیری اجتماع دارد. نقش زن در نظام خانواده به عنوان مهم ترین عامل رساندن انسان به سعادت، خوشبختی و کمال است (شاهدی

و فرجودی، ۱۳۸۹). این نقش در برهه های مختلف زندگی نمودی مهم دارد که از جمله آنها مادری در دوران کودکی و نوجوانی است که در ذیل به این دوران پرداخته می شود؛

الف) مادر و تربیت در کودکی

برخی گمان می کنند که نقش مادر در تربیت از زمانی است که طفل او خوب و بد را تشخیص می دهد و تا حدی قادر به تشخیص مصالح و مفاسد امور می باشد. اما از نظر اسلام تأثیر مادر حتی به دوران بارداری و قبل از انعقاد نطفه نیز مربوط می شود و دوران حمل در سرنوشت طفل بسیار دخیل است. برخی شروع زندگی آدمی را از لحظه ی انعقاد نطفه می دانند (مظاهری، ۱۳۷۶). کودک ماه ها در رحم مادر، با جسم و روح او ارتباط تنگاتنگ برقرار می کند. بعد از آن نیز تا مدت ها برای رشد و ادامه حیات به مادر نیاز دارد و مدت ها طول می کشد تا بتواند به تنهایی احتیاجات خود را برطرف کند. تمام این امور نیاز به صبر و حوصله سرشاری دارد که خداوند به مادر بخشیده است تا فرزندانش به سمت کمال پیش بروند و در این وابستگی و احتیاج، حکمتی نهفته است تا کودک پیوسته با مادر ارتباط داشته باشد و تحت تربیت او بزرگ شده و به کمال برسد (آیت اللهی، ۱۳۸۱).

طفلی که قدم به این دنیا می گذارد این حق را دارد که در کنار مادر باشد و از مهر و محبت او بهره مند شود. هرگاه گریه کرد به او جواب لازم را بدهد، در آغوش او بخوابد و یا شیر بخورد. حال اگر به درخواست های او کم توجهی شود و پاسخ لازم به واکنش های او داده نشود؛ کودک در آینده از ثبات شخصیتی سالمی برخوردار نخواهد شد و به ناسازگاری اخلاقی روی خواهد آورد (فرهادیان، ۱۳۷۷). وجود مادر در کنار کودک سبب به وجود آمدن احساس اعتماد نسبت به اطرافیان خواهد شد؛ این احساس برای کودک بسیار مفید است و سبب می شود تا او بهتر بتواند شکست ها و ناکامی ها را در زندگی تحمل کند. اگر کودک در خانه از رابطه عاطفی خوبی برخوردار نباشد، نمی تواند آن گونه که باید به آموزش محیط پیرامون خود بپردازد تا بتواند استعداد های خود را ظاهر سازد. تجربه نشان داده است کودک کانی که در شیرخوار گاه ها بزرگ شده اند، نمی توانند رابطه صمیمانه ای با دیگران برقرار نمایند (درویزه، ۱۳۸۲). زندگی کودک به خصوص دو سال اول آن، دوران بسیار سرنوشت سازی است؛ زیرا شخصیت کودک هنوز شکل نگرفته و برای پذیرفتن، هر صورت و شکلی آماده است (امینی، ۱۳۸۷).

ب) مادر و تربیت در نوجوانی

همدلی و ایجاد ارتباط دوستانه و صمیمانه راهی است برای جلوگیری از رو آوردن نوجوانان و جوانان به انحراف، جرم و بزهکاری و مادر به عنوان کسی که رابطه مستقیمی با فرزندان خود دارد و سرپرستی خانه را دارد، می تواند این رابطه دوستانه را با فرزندان خود برقرار نماید. مادران که با مهربانی و محبت به نیازهای عاطفی دختر و پسر خود پاسخ می دهند، زمینه ساز به وجود آمدن اعتماد به نفس و استقلال در فرزندان خود خواهند شد (درویزه، ۱۳۸۲).

مادران سرمشق و الگوی فرزندان خود و شکل دهنده روح و شخصیت آنان هستند. مادرانی که دچار بیماری از خود بیگانگی هستند فرزندان همانند خود تربیت می کنند. مادرانی که در خانواده هایی پرورش یافته اند که دختر و زن مورد تحقیر واقع شده اند، فرزندانسی تربیت می کنند که آنها نیز دچار عقده حقارت

خواهند شد و نتیجه احساس حقارت این است که وقتی دختر به سن بلوغ می‌رسد در برخورد با جنس مخالف رفتار و حرکات نامناسبی از خود بروز می‌دهد و زیبایی‌های خود را در اجتماع عرضه خواهد کرد تا مرهمی بر روح بیمار و جبران کنند عقده درونی او باشد. پسران نیز در چنین خانواده‌هایی بینشی نادرست نسبت به زن پیدا کرده و نسبت به زنان دیگر و همسران خود زورگو و ستمکار خواهند شد (سادات، ۱۳۷۲).

مادران باید این نکته را مدنظر داشته باشند که دختران و پسران هر کدام تربیت متفاوتی را می‌طلبند. زیرا هر کدام از دختر و پسر باید در آینده نقش خاصی را در خانواده و اجتماع ایفا نمایند. مادر از کودکی باید به دختر خود نشان دهد که او در آینده می‌خواهد مادر و همسر شود. بنابراین باید به مرور زمان به فرزند خود اعم از دختر و پسر نکاتی را که در زندگی آینده نیاز خواهد داشت بیاموزد (حیدری، ۱۳۷۹).

یافته‌ها

نقش تربیتی زن در جامعه اسلامی

وقتی یک جامعه ایمانی متکامل به وجود می‌آید که زنان و مردان مؤمن به وسیله پیوند ولایی در کنار هم قرار گیرند و به مقابله با انحرافات اجتماعی و سیاسی و اعتقادی که نشانه بی‌توجهی به معروف و تشویق منکر است بپردازند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید؛ «و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و امیادارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است» (توبه، ۷۱).

علاوه طباطبایی (ره) می‌فرماید: این آیه حال عامه مؤمنان را بیان می‌کند و می‌فرماید: مردان و زنان با ایمان اولیای یکدیگرند تا منافقان بدانند، نقطه مقابل ایشان مؤمنان هستند که مردان و زنانشان با همه کثرت و پراکندگی افرادشان در حکم یک تن واحد هستند و به همین جهت بعضی از ایشان امور بعضی دیگر را به عهده می‌گیرند و هر کدام دیگری را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند (طباطبایی، بی تا، ۴۵۵/۹، نقل از ربیع نتاج و روح اله زاده اندواری، ۱۳۸۹).

در کنار این تصور روشن و نورانی از پویندگان کرانه‌های رحمت و رضوان الهی، تصویر دیگری وجود دارد و آن تصویر زنان و مردان منافق است. این تصویر نشانه‌ی یک انحراف است که جامعه حاصل از پیوند بین زنان و مردان منافق آن را به وجود می‌آورد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید؛ «ای پیامبر! با کافران و منافقان به جهاد برخیز و نسبت به آنان سخت‌گیری کن [و درشت‌خو باش]؛ و جایگاهشان دوزخ است؛ و دوزخ بد بازگشت گاهی است.» (توبه، ۷۳). این ارتباط منفی آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهد و آنان نیز یکدیگر را تقویت می‌کنند تا اینکه زندگی از معروف دور شده و به خط منکر نزدیک گردد؛ این ارتباط جلوی بخشندگی آنان را می‌گیرد و به جهت خدا فراموشی، از پروردگار دورشان می‌گرداند. در چنین جامعه‌ای عوامل انحراف دست به دست یکدیگر می‌دهند تا آن را از خدا دور کنند و نفاق موجود در مردان و زنان به وضع ناپهنجاری تبدیل می‌شود که اصحاب خود را در معرض آتش جهنم قرار می‌دهد، به نحوی که در مستحق بودنشان برای غضب خداوند منافقان و کافران با یکدیگر برابر می‌شوند.

بنابراین با توجه به آیات قرآن مشاهده می‌شود که چگونه قرآن کریم از مردان و زنان، به دور از نقش

پدری و مادری و همسری‌شان، هم در جنبه مثبت و هم در جنبه منفی سخن می‌گوید بدون اینکه نقش مهمتر و بزرگتری را برای مرد قائل شود یا نقش زن را در حساس‌تر انگارد یا اینکه در برابر استقامت یا انحراف جامعه، از یکی از آنها سلب مسؤولیت نماید؛ یعنی نقش‌های اجتماعی و عمومی زن و مرد، مانع از انجام مسؤولیت آنها در زمینه مادری و پدری و همسری نمی‌شود، بلکه شاید هم نقش‌های اجتماعی به نقش‌های فردی آنان، ماهیت و مفهوم انسانی و مکتبی بدهد و اثرات مثبتی را بر فکر روح انسان به جای بگذارد و با قدرت و ایمان افزون‌تر به عرصه عمل او تداوم پیدا کند.

اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی زن

اشتغال و فعالیت اقتصادی زنان از منظر دین امری روا و جایز است، البته مهمترین اولویت برای زن مدیریت امور خانواده است، ولی هیچ‌گاه وظایف خانواده با تمامیت و کلیت اشتغال و فعالیت اقتصادی تزاخم ندارد. قرآن کریم کسب و تلاش اقتصادی زنان و مردان را تأیید کرده و مالکیت زنان را بر آن مترتب ساخته است: «برای مردان از آنچه به اختیار کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان نیز آنچه به اختیار کسب کرده‌اند، بهره‌ای است» (نساء، ۳۲). در این آیه کسب و مالکیت زن و مرد تقریر شده است؛ تفکیک زن و مرد برای زدودن ذهنیت نادرست انحصار مالکیت و تلاش اقتصادی مختص مردان است.

حجاب زن

برخی عقیده دارند که حجاب زن و قیود و التزامات عملی آن به وی اجازه نمی‌دهد که در جامعه حرکتی قوی و متوازن داشته باشد، زیرا حجاب جلوی اختلاط با مردم و حضور فعال زن را در عرصه‌های جامعه می‌گیرد و این عامل تأثیری منفی روی مشارکت وی در ساختن یک تمدن انسانی بر جای می‌گذارد، اما به اعتقاد ما این امر مانعی برای ایفای نقش زن بنابه توانمندی‌ها و التزامات او به‌شمار نمی‌آید. چون جامعه وسیع زنان نیازمند زنانی فرهیخته و آگاه و فعال است تا آنان بتوانند وظیفه آگاهی‌بخشی و فرهیخته‌سازی و بسیج معنوی و فعالیت سیاسی و اجتماعی خود را انجام دهد. آن‌هم به این دلیل که زن نیاز دارد در این باره به وظایف و مسؤولیت‌های اسلامی خود در زندگی جامعه عمل ببوشاند. اگر به نقش دعوت‌گرانه و تغییرساز زن بی‌توجهی شود و زن از این عرصه دور گردد و مرد نیز بواسطه موانع شرعی موجود بر سرراه رابطه با زن نتواند به این وظایف عمل کند، منجر به آن خواهد شد که جامعه زنان از نظر اجتماعی و سیاسی و فرهنگی دچار عقب ماندگی شود و در عرصه التزام و انضباط در راه خدا، از نظر دینی دچار انحراف گردد.

از سوی دیگر جز در مواردی که منجر به انحراف اخلاقی شود، اسلام مانعی برای اختلاط زن و مردم نمی‌بیند. اما اختلاطی که بر اساس آموزه‌های دینی که سعی دارند التزام اسلامی را در شخصیت تمام زنان و مردان تثبیت نماید، چارچوب‌های اخلاقی را رعایت کند، از نظر شرعی مباح است. شاید بسیاری از تجارب اسلامی در گذشته و حال هم دلالت بر آن داشته باشند که رعایت حدود شرعی، به عنوان یک تجربه انسانی زنده چیز دور از واقعیتی نیست. هر چند که ممکن است بعضی آثار منفی اخلاقی ناشی از مسأله اختلاط را بر شمارند که نشان‌گر انحراف از خطوط شرعی باشند، اما این‌ها نمی‌توانند مشکلات عمده‌ای باشد، زیرا وجود بعضی مشکلات در این باره نمی‌تواند چیز تازه‌ای در مسائل عمومی اخلاقی جامعه باشد؛ چرا که ماهیت ضعف انسانی طوری است که اگر از مراقبت لازم غفلت شود، حتی در بین خود مردان و زنان هم که باشد،

ممکن است دچار سقوط و انحراف گردد. پس هیچ یک از حالت‌های انسانی نمی‌تواند خالی از این مشکل باشد. بنابراین لازم است بدون اینکه خواسته شود انجام مسؤلیت را در هر یک از جنبه‌های فردی و اجتماعی زندگی ملغی شود، بر رعایت معیارهای اخلاقی در عرصه‌های اجتماعی و فردی تأکید گردد. زیرا احتمال انحراف را نمی‌توان در همه آنها به کلی از بین برد. به هر حال حضور زن در اجتماع و فعالیت‌های اجتماعی، جهت رشد و شکوفایی استعدادهای جامعه اسلامی است (جوادی آملی، ۱۳۸۳).

بحث و نتیجه گیری

در اسلام زن و مرد هر دو از یک عنصر خلق شده‌اند و هیچ نظریه تحقیرآمیزی در مورد سرشت زن وجود ندارد. تفاوت‌های ذاتی موجود بین زن و مرد برخاسته از خلقت تکوینی آنها می‌باشد که برای حرکت این دو در مسیر تکاملی خلقت لازم است. خداوند با قرار دادن این تفاوت‌ها در سرشت زن و مرد که همسران آینده هستند، کانون خانواده را مستحکم تر نموده است، چرا که با توجه به تفاوت‌های ذاتی و تکوینی زن و مرد وظایف آنها در خانواده تقسیم شده است. با بررسی اوضاع و احوال زنان در جوامع عقب مانده و پیشرفته‌ی پیش از اسلام، چنین استنباط می‌گردد که در این میان تنها اسلام است که در صدد تشریح ارزش‌های والای وجود زن بوده است و جایگاه واقعی وی در صحنه‌ی اجتماع و سیاست را معرفی کرده است و هویت و ارزش از دست رفته زنان را در طول تاریخ به آن‌ها بازگردانده است و ایشان را به جایگاه مناسب خودشان سوق داده است.

اسلام برای جلوگیری از اختلاط بی‌قید و شرط زن و مرد حجاب را بر زنان واجب کرده است تا انسانیت زن خدشه‌دار نشود و ارزش او در حد کالایابزار تنزل نیابد. فلسفه‌ی رعایت حجاب و حفظ عفت و حیای زن است و این حکم برای در امان ماندن گوهر و جودی زن می‌باشد اسلام با واجب کردن حجاب محدودیتی را برای حضور زن در جامعه قرار نداد و حجاب هیچ منافاتی با فعالیت زنان ندارد. هم چنین مشخص شد نقش اساسی زن در تربیت فرزند بسیار قابل توجه است؛ تربیت فرزند در واقع تربیت جامعه است، چرا که فرزند عضو کوچکی از جامعه بوده و هر تغییر شخصیت و تغییر رفتاری در فرزند، تأثیر مستقیم بر اجتماع دارد. از طرفی فرزند بیش از همه کس از مادر حرف شنوی دارد و تمام حرکات و سکنات مادر در فرزند تأثیر مستقیم داشته و چه بسا وادار کردن فرزند به رفتاری مغایر با رفتار مادر کاری بس دشوار باشد، مثلاً عبارت «زبان مادری» نشان می‌دهد که فرزند بیشتر از تمام افرادی که با او هم صحبت هستند از روش مادر برای ادای کلمات استفاده می‌کند. پس جامعه‌ای قادر خواهد بود نیروی کارآمدی تولید کند که زنان آن جامعه کارآمد و قوی باشند و این نکات به طور کامل در مفاهیم و آموزه‌های دین مبین اسلام و در کتاب قرآن کریم و تعالیم پیامبر اکرم (ص) و احادیث ائمه اطهار (ع) بیان شده است.

منابع

- قرآن کریم.
- افراسیاب پور، علی اکبر، ولی پور چهارده چریک، فلورا. (۱۳۹۱). نقش زن در زندگی پیامبران الهی. نشریه علمی زن و فرهنگ، ۴(۱۴)، ۶۸-۵۷.
- امینی، ابراهیم. (۱۳۸۷). اسلام و تعلیم و تربیت. تهران: انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.

- آیت‌اللهی، زهرا. (۱۳۸۱). زن و خانواده. جلد اول، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۳). زن در آئینه جلال و جمال. قم: مرکز نشر اسراء.
- حرّ عاملی (۱۳۷۲). وسائل الشیعه. جلد بیستم، قم: موسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث.
- حرّ عاملی، محمد بن الحسن. (۱۳۹۱). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشرعیه. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- حیدری، معصومه. (۱۳۷۹). آداب رفتار با دختران. کاشان: انتشارات محتشم.
- خمینی (ره)، روح‌الله. (۱۳۸۹). صحیفه امام (بیانات، پیامها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها). دوره بیست و دو جلدی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- درویزه، زهرا. (۱۳۸۲). بررسی رابطه همدلی مادران و دختران دانش‌آموز دبیرستانی و اختلالات رفتاری دختران شهر تهران. فصلنامه مطالعات زنان، ۳۳-۳۵:۳.
- ربیع نتاج، سید علی اکبر، روح‌اله زاده اندواری، عالیه. (۱۳۸۹). حضور زن در جامعه از دیدگاه قرآن و آیات. پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، ۶، ۱۴۵-۱۶۸.
- سادات، محمد علی. (۱۳۷۲). راهنمای پدران و مادران. جلد اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شاهدی، سامره، فرجودی، محمد علی. (۱۳۸۹). جایگاه شغلی زن در خانواده و اجتماع از دیدگاه قرآن. فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، ۱ (۴): ۹۶-۱۱۱.
- علامه، عاطفه. (۱۳۹۳). نقش زن در ایجاد خانواده متعادل. نشریه علمی زن و فرهنگ، ۵ (۲۰)، ۵۱-۴۱.
- فرهادیان، رضا. (۱۳۷۷). والدین و مربیان مسؤول. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فهیم کرمانی، مرتضی. (۱۳۴۷). چهره‌ی زن در آئینه‌ی اسلام و قرآن. تهران: دفتر نشر اسلامی.
- محدث نوری، حسین. (۱۳۶۶). مستدرک الوسائل. جلد ۱۴، قم: موسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث.
- محمدی ری شهری، محمد. میزان الحکمه. ترجمه حمیدرضا شیخی (۱۳۸۹). قم: انتشارات موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- مرعشیان، فاطمه. (۱۳۹۰). بررسی نقش زنان به عنوان مادران خانواده در ارتکاب انواع رفتارهای پرخطر نوجوانان. نشریه علمی زن و فرهنگ، ۲ (۷)، ۱۲۲-۱۰۹.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). نظام حقوق زن در اسلام. چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات صدرا.
- مظاهری، علی اکبر. (۱۳۷۶). هشدارهای تربیتی. قم: انتشارات هجرت.

Pedagogical role of women in Islamic society

N. Kabiri Ghomi*
S. Masomie Zavariani**

Abstract

Woman is the most beautiful expression of creation and the most effective factor in the development of the mental and physical health of children and society. The objective of this study was describing the role of women in the Islamic society. This study was carried out using a review method. Based on the clear verses of the Holy Qur'an and the infallible traditions, the woman is the foundation of all good things. While emphasizing on the high status of the mothers, their physical, mental and psychological health has drawn a lot of attention, due to the health of the community and the health of the family. On the other hand, vitality, authority and family dynamism depends on the role of the mother. Also, according to experts in the field of social sciences, the central role of the mother in building the country is not covered by anyone. In addition to the educational role of the family, women can socially, politically and economically participate in the community, and contribute to the social, political and cultural development of society as a large part of the human resources present in the community. Islam not only does not prevent women from engaging in social, economic and political activities, but values it. From the perspective of the Qur'an, the woman is an effective member of the community and should play a role in social issues with men. Islam has the most comprehensive and complete attitude toward the personality of the woman.

Keywords: pedagogical role, Islam, family, woman.

* M.A. of Psychology and Consultation, Department of Consultation, Qom Branch, Azad University, Qom, Iran. (Email:naimehkabiri1@gmail.com)

** M.A. of Psychology and Consultation, Department of Consultation, Alzahra University, Tehran, Iran. (Corresponding author, Email:massomy.s@gmail.com)